**1شنبه 28/5/1403-13صفر 1446-18اوت 2024 –درس 185 فقه توانمندسازی – مباحث توان پذیران –**

**مساله: عواقب عدم پذیرش توانمندی مورد نیاز باید بازدارنده باشد.**

**شرح مساله : معلوم شد که عدم پذیرش توان پذیری جایز نیست این حکم تکلیفی و اما چه عواقبی دارد ؟ چه مجازاتی دارد ؟ چه جریمه ای دارد ؟ یا اصلا عقوبتی ندارد ؟ صرفا حرامی مرتکب شده است . آیا مثل بیع وقت النداء است که صرف حرمت است ولی چنین بیعی صحیح اتفاق می افتد و آثار بیع صحیح بر آن مترتب میشود ؟ ثمن و مثمن بین بایع و مشتری جابجا میشود ولی متبایعین معصیت کارند به علت رها نکردن بیع و نرفتن به نماز . آیا مانحن فیه هم چنین است یعنی ترک توان پذیری صرفا معصیت است ولی خدمات و تلاشهای او صحیح واقع میشود بدون توبیخ و جریمه ؟ عقل وشرع چه حکمی دارند ؟عقل حکم به قبح ترک پذیرش توان کرد و ضرر متعاقب این ترک فعل را حکم به دفع میکرد . دفع این ضرر محتمله به چیست؟ به این است که جلوی این ضرر گرفته شود و اگر فرد عاصی بدون تحمل هیچ عقوبتی به کار ادامه دهد در همکاران سستی ایجاد میشود و هیچ دوره توانمندسازی جدی گرفته نمیشود معصیتی هم اگر باشد با توبه جبران میشود . این ها تداوم ضرر است که عقل آن را تحمل نمیکند و قبیح میداند بی تفاوتی نسبت به آن را . از عوامل دفع این ضرر مستمر مجازاتی است که بازدارنده و سنگین باشد لذا عقل حکم به دفع موثر ضرر میکند که مجازات بازدارنده به این دفع موثر کمک میکند . در این صورت مثل بیع وقت النداء در حکم وضعی نیست**

**واما قرآن عمومات و اطلاقاتی دارد که ظاهر دراستحقاق عقوبت تارک تکلیف است مانند "من اعرض عن ذکری فان له معیشه ضنکا و نحشره یوم القیامه اعمی"**

**بنابر این که ذکر شامل توجه به هرنوع تکلیف ربوبی باشد . زیرا ذکر به معنای نماز هم آمده است (فاسعوا الی ذکر الله) و وصف پیامبر هم هست " رسولا ذکرا" در سوره طلاق . یعنی رسول خدا انسان را یاد خدا می اندازد و تکالیف او تکالیف خداست به بندگان و تمرد از او تمرد از خداست . ذکر به معنای قرآن هم هست (نزلنا الذکر) و قرآن قانون زندگی است و... لذا اعراض از ذکر اعراض از هر قانونی است و این اعراض عقوبت دنیوی و اخروی دارد که معیشت ضنک شامل مجازا تهای مادی و محدودیت های زیست فردی و سازمانی میشود و در آخرت هم که کوری دارد که عذابی الیم است . اما مقایسه مانحن فیه با بیع وقت النداء باید گفت که اولا این جا بیع باید ترک می شده و نماز انجام میشده است لذا ترک بیع و فعل صلوة دو تکلیف بوده است و فعل بیع وقت النداء که باعث ترک فعل نماز میشود فعلی محرم است تکلیفا ولی بیع به اتفاق آراء صحیح واقع میشود وضعا.در مانحن فیه فراخوان توان مندسازی چیزی شبیه نداء به یک تکلیف است که لبیک به آن واجب است ولی اعراض از این نداء حرام است و فعل سازمانی مانع این لبیک نیست صرف اعراض است . لذا قیاس مع الفارق است . لذا باید گفت که فرد معرض معصیت کار ست و طبق قاعده اعراض از ذکر، مجازات معیشت ضنک دارد که شامل اخراج و مجازات مادی و معنوی سازمانی میشود . و هو المطلوب والله العالم.(ادامه دارد )**